

مؤلفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه علی‌جان مرادی‌جو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

چکیده

هویت سیاسی یکی از مهم‌ترین مسائل مهم در پدیده «دولت-ملت‌سازی» است. از آنجا که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نقشی اساسی در بازسازی هویت ایرانی-اسلامی دارد؛ بنابراین نوع نگاه و تأثیر آن در بُعد سیاسی هویت، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در واقع، پابندی به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران که بر اساس هویت ایرانی-اسلامی شکل گرفت، باعث استحکام و تحکیم ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود و به تبع آن تأثیرگذاری انقلاب در سطح بین‌المللی در راستای هویت سیاسی آن گسترش می‌یابد. نویسنده مقاله با توجه به این موضوع، تلاش کرده است به جستجوی مؤلفه‌های داخلی و خارجی و عناصر تشکیل و تحکیم هویت سیاسی انقلاب اسلامی ایران در منظومه فکری امام خمینی (ره) بپردازد. عناصری همچون «استقلال»، «آزادی»، «نه شرقی، نه غربی»، «استکبارستیزی»، «جمهوری اسلامی»، «دشمن‌شناسی»، «الگوسازی برای سایر ملل مسلمان یا صدور انقلاب» و «حمایت از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های راهب‌بخش» به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های تشکیل و تحکیم هویت سیاسی انقلاب اسلامی ایران معرفی شده و در بخش‌های مختلف مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پایان این نتیجه به‌دست آمد که وجود مؤلفه‌های فوق باعث شد که ضمن توجه به مفهوم «خودی و دگر» و اتکا به خودباوری، در نگاه اندیشمندان جهان، انقلاب اسلامی در ایران متفاوت و متمایز از دیگر حرکت‌ها و انقلاب‌ها و باعث چرخش اساسی در تاریخ، به خصوص نحوه نگاه به ابرقدرت‌ها شد.

کلید واژه‌ها: هویت سیاسی، انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی، امام خمینی (ره).

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

مرادی‌جو، علی‌جان (تابستان ۱۴۰۲). «مؤلفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، صص ۱۴۶-۱۲۳.

^۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران. ایمیل: moradialijan@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بازرگاری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

پیشینه مسئله هویت به آغاز تاریخ انسان باز می‌گردد. انسان‌ها از دیرباز، به دنبال تعریف و شناسایی خویش، قبیله، قوم و ملت و نیز کشف تمایزات خود از دیگران بوده‌اند. مفهوم هویت، در حقیقت پاسخی به سؤال «چه کسی بودن» و «چگونه شناسایی شدن» است. پاسخ به این سؤالات است که یک فرد انسانی را از هم نوع خود متمایز می‌کند؛ ارزش او را از ارزش‌های دیگری متمایز می‌نماید؛ تعلق فرد را به گروه خاص نشان می‌دهد و سرانجام هویت جمعی او را تعریف می‌کند و نشان می‌دهد که او کیست و به چه جامعه‌ای و به چه ارزش‌هایی تعلق دارد.

سؤالات پیش‌گفته در درون چارچوب‌های سیاسی و اجتماعی مختلف، پاسخ‌های متفاوتی را دریافت می‌کند. بر این اساس هویت فردی و جمعی انسان‌ها تا حد بسیاری محصول شرایط اجتماعی و سیاسی آنان است و این زیست اجتماعی - سیاسی انسان‌ها است که پرسش‌ها و نیز پاسخ‌های آنان را درباره خودشان شکل می‌دهد.

انقلاب اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ و تاریخ‌ساز به دنبال خود تحولات زیادی را رقم زد که از جمله آن‌ها تحول در حوزه هویت اعم از عمومی و سیاسی بود، انقلاب اسلامی را باید نقطه عطف و مرحله گسست از دو دوره، یکی کلیت تاریخ ایران و دیگری تاریخ صدساله پیش از انقلاب، دانست. در واقع انقلاب اسلامی از یک سو گذشته تاریخی ایران و سلسله‌های گذشته و راه و رسم حکومت‌گری و گردن نهادن به حکومت‌ها و برخی از سنت‌های گذشته را مورد نقد و انتقاد قرار داد و از سوی دیگر تفکر و نگاه غربی به زندگی را که طی صدسال پیش از آن به ایران وارد شده بود رو کرد.

در واقع، پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، آغاز دوره‌ای متمایز از دوره‌های تاریخی گذشته این ملت به شمار می‌رود. حکومتی که تشکیل می‌شود با ابتنا بر گفتمان انقلاب اسلامی، در ابعاد مختلف داخلی و خارجی مبدع و مجری ایده‌ها و الگوهایی می‌شود که نه با مبانی حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل آن روز هماهنگی دارد و نه با آنچه که تا پیش از آن در سیاست‌های داخلی حکومت رژیم‌های گذشته ساری و جاری بود، همخوانی داشت. مجموع این خصوصیات در ابعاد مختلف داخلی و خارجی، موجبات ظهور و بروز هویتی خاص می‌شود که با خود نتایج و پیامدهایی را به همراه می‌آورد؛ بنابراین، از آنجا که نقطه تمرکز این مقاله، تبیین هویت سیاسی انقلاب اسلامی ایران است، سؤال اصلی نیز متأثر از این نقطه تمرکز، به شرح زیر می‌باشد:

«در منظومه فکری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مؤلفه‌های داخلی و خارجی هویت سیاسی انقلاب اسلامی که باعث تشکیل، تحکیم، تثبیت و استحکام ساخت درونی قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران شدند، کدام‌اند؟»

در پاسخ به پرسش بالا، این فرضیه قابل طرح است که «در منظومه فکری امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مؤلفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی که باعث تشکیل، تحکیم، تثبیت و استحکام ساخت درونی قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران شدند، عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، نه شرقی و نه غربی، استکبارستیزی، دشمن‌شناسی، الگوسازی برای سایر ملل مسلمان و حمایت از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های رهایی‌بخش» که در بخش‌های مختلف مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. تبیین مفهومی

۲-۱. هویت

هویت، واژه عربی و مرکب از دو بخش «هو» (ضمیر مفرد مذکر غایب) و «یت» (سازنده مصدر جعلی) است. در فرهنگ لغت آکسفورد برای این واژه، ریشه *identita* ذکر شده که خود از ریشه *iden* به معنای این همانی و یکسانی است.

هویت به معنای جدید کلمه، از طریق مترجم‌های اروپایی به زبان فارسی وارد شده است، بنابراین مترجمانی که واژه «*identity*» یا هویت را از متون لاتین به فارسی ترجمه کرده‌اند، از معادل‌هایی نظیر «این همانی» و «همانستی» استفاده کرده‌اند و برای متضاد آن، واژگانی از قبیل «بی‌خویشنی»، «ازخودبیگانگی»، «بی‌هویتی»، «بی‌خودی» را به کار برده‌اند (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۶).

از دیدگاه ریچارد جنکینز^۲ در کتاب «هویت اجتماعی»، هویت دو مفهوم به‌ظاهر متناقض را در برمی‌گیرد؛ اول تشابه مطلق و دوم تمایز (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). آنتونی گیدنز^۳ هم درباره هویت می‌نویسد:

«هویت منبع معنا برای کنشگران است و به دست آن‌ها از رهگذر فرآیند فردیت بخشیدن ساخته می‌شود. با این حال ممکن است از نهادهای مسلط نیز ناشی شود، اما حتی در این صورت نیز هنگامی هویت خواهد بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن‌ها را حول این درونی سازی بیافرینند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۰).

هویت از نظر اصطلاحی عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن بر یکدیگر دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین،

^۱. *identity*

^۲. *Richard Jenkins*

^۳. *Anthony Giddens*

به‌طور مشخص قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد (الطای، ۱۳۷۸: ۱۳۹). در این پژوهش، مراد از هویت، نوعی سیاسی آن است، نه هویت شناسنامه‌ای افراد.

۲-۲. هویت سیاسی

هویت سیاسی^۱ الگوی پیچیده‌ای از تقاضاها، خواسته‌ها، هنجارها، شیوه تفکر و رفتار است که در طول زمان و به‌واسطه ادغام افراد در شبکه متراکم اجتماع شکل گرفته‌اند و هویت‌های فردی و جمعی نیز در بستر همین روابط متنوع اجتماعی بر ساخته شده‌اند. به تعبیر بهتر، هویت سیاسی نظام تجربی، نمادهای معنوی و ارزش‌هایی است که شرایط پدید آمدن فعالیت‌های سیاسی را تبیین می‌کند (نظری و سازمند، ۱۳۸۷: ۵۴).

در مجموع هویت سیاسی را میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور تعریف کرد (اکبری و عزیز، ۱۳۸۶: ۲۷). یا هویت سیاسی از سویی احساس تعلق فرد به جامعه سیاسی است و از سوی دیگر می‌توان آن را مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر دانست که موجب تشخیص سیاسی گروهی از مردم در درون قلمرو جغرافیایی مشخص می‌شود (حسینی باقری شریف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۵).

هویت سیاسی انقلاب اسلامی، دیدگاه آموزه‌های اسلامی- ایرانی در زمینه سیاست بوده و می‌توان آن را، پذیرش جامع مسائل مرتبط با بُعد سیاسی آموزه‌های اسلامی- ایرانی از سوی فرد دانست. به عبارت دیگر، چنانچه فردی آموزه‌های سیاسی اسلامی- ایرانی را درک کند (پذیرش شناختی)، به سمت آن‌ها گرایش پیدا می‌کند (پذیرش عاطفی) و آن‌ها را مبنای عمل قرار دهد (پذیرش رفتاری)، آن گاه بُعد سیاسی آموزه‌های اسلامی- ایرانی را به‌طور جامع پذیرفته و این امر، برآیندی را برای وی به همراه دارد که پژوهش حاضر آن را، هویت یافتگی اسلامی- ایرانی در بُعد سیاسی می‌داند.

۳. تبیین نظری

انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران که بر اساس مبانی اسلامی شکل گرفت، به‌عنوان یک گفتمان در سطح جهانی، نظامی را ایجاد نمود که با تعیین بخشی و شکل‌دهی به اشکال هویت به‌ویژه هویت سیاسی، سعی کرد نمادهای هویتی رژیم پهلوی را حذف و یا به حاشیه ببرد و در جهت استقرار هژمونی گفتمان هویت سیاسی خود تلاش نماید.

^۱. Political identity

از طرفی، با توجه به سلطه استعماری غرب بر ارکان کشور در دوره پهلوی، موضوع احیای هویت سیاسی یعنی استقلال، آزادی، خودباوری، استکبارستیزی، اعتماد و وفاداری به حاکمیت و... نوعی راهبرد مبارزاتی جهت جلوگیری از این نوع سلطه توسط انقلابیون مطرح شد. به نظر آن‌ها این نوع هویت سیاسی به‌عنوان ضامن حیثیت و موجودیت کشور، استحکام ساخت درونی قدرت ملی و دوری جستن از فرهنگ استعماری غرب و شرق بود و به‌نوعی تلاش در راستای تحقق هویت ایرانی-اسلامی بود. به همین خاطر است که محور شعارها و برنامه‌ها را بازگشت به هویت اصیل خود بیان داشته‌اند.

بنابراین در تبیین هویت سیاسی انقلاب اسلامی و توجه به جزء جدایی‌ناپذیر هویت یعنی احساس تمایز از دیگران، نیاز است که به‌عنوان یک مینا، مقوله هویت در قالب دوگانه «ما» و «دگر» و یا «خودی» و «غیرخودی» با توجه به اصول قانون اساسی و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه تشریح شود. با توضیح این مسئله است که مؤلفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی مورد بازشناسی قرار می‌گیرند و به سؤال اصلی مقاله پاسخ داده می‌شود.

هویت تمایز بخش است و «من» و «ما» را از «غیر» و «دیگری» باز می‌شناساند و «دگر» یا «غیر» را در قالب‌های گوناگون بیگانه، دشمن، رقیب و ... معرفی می‌کند (برزگر، ۱۳۷۹: ۵).

یکی از ماهای معرفی شده در قانون اساسی، «مای» ایرانی است. در اصول متعدد قانون اساسی، واژگان، ملت ایران، ایرانیان، جامعه ایران، ملت، ملت ما، مردم، ملت مسلمان ایران، ملت مسلمان، مردم ایران، افراد ملت و... به کار رفته است. قانون اساسی خود را متعلق به ملت و کشور ایران و بین نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران می‌داند (قانون اساسی، مقدمه) و می‌گوید:

«ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبیم...» (قانون اساسی، مقدمه).

در نظریه دولت - ملت تابعیت از شناسه‌های مهم هویتی به شمار می‌رود و مراد از آن، پیوند سیاسی و معنوی انسان‌ها با یک دولت خاصی است، حقوقدانان گفته‌اند اعضای یک ملت باید با نظام سیاسی حاکم رابطه‌ای داشته باشند، این رابطه را تابعیت گویند (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۴۰).

برجسته‌ترین نمود تأکید قانون‌گذار بر «مای» ایران، تکیه بر تابعیت سیاسی و جغرافیایی مردم ایران در به دست آوردن برخی از مقام‌ها و مناصب کشور است؛ به‌عنوان مثال رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی برگزیده شود، ایران‌الاصل و تابع ایران باشد (قانون اساسی، اصل ۱۱۵).

از جمله ماهایی دیگری که قانون‌گذار بر آن تأکید ویژه می‌نماید، «مای» مسلمان است. اولین عبارت قانون اساسی، همه نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را مبتنی بر اصول اسلامی قلمداد می‌کند. در واقع تأکید بر اسلام به‌عنوان اساس هویت ایرانیان در دیباچه و اصول چهارم و پنجم قانون اساسی و جز آن از یک‌سو و تصریح به تشکیل امت واحد در اصل یازدهم، تأکیدی دوچندان و آشکارتر بر وجه اسلامی مای ایرانیان است.

بنیادی‌ترین ملاک قانون اساسی در تعریف «دگر» در برابر انواع ماهایی که معرفی نموده، آزادی شرافت و کرامت انسان و اصول برخاسته از آن می‌باشد؛ بنابراین بدیهی است که معیارهای نژادی، قومی، قبیله‌ای، جغرافیایی و امثال آن در دستگاه فکری قانون‌گذار اساسی جایی نداشته باشد.

ظلم به انسان، تبعیض، استثمار و استعمار بشریت در قانون اساسی؛ مثابه موانع کرامت، تکامل و سیر الی‌الله تلقی می‌گردد و بنابراین ظالم، استثمارگر و استعمار پیشه در اندیشه نویسندگان قانون اساسی «غیر» و «دگر» قلمداد می‌شوند و مبارزه با آن‌ها ضرورت می‌یابد. از این‌روست که از امپریالیسم، استعمار، امپریالیسم جهانی، سلطه خارجی، نظام شاهنشاهی، استبداد داخلی، تداوم استبدادی، بیگانگان، استثمار و قدرت‌های سلطه‌گر به‌مثابه «دگر» ایرانیان سخن گفته می‌شود؛ و به‌ویژه از رژیم آمریکا به‌منزله مظهر ستم و مهم‌ترین «دگر» ایرانیان در دیباچه قانون اساسی یاد می‌شود.

از سوی دیگر این قالب دوگانه «خودی» و «غیرخودی» و یا همان «ما» و «دگر» در انقلاب اسلامی مبتنی بر خودآگاهی‌ای بود که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در پاسخ به بحران هویت جامعه ایرانی ارائه کرد.

انقلاب اسلامی ایران بر بستری از بحران هویت و خودی شکل گرفت. یعنی زمانی که جامعه از خود فراموشی به درآمد و به خود توجه کرد، به دنبال هویت و شناسایی خویش افتاد. انقلاب اسلامی حاصل عبور جامعه از بحران هویت و رسیدن به خودآگاهی جدید بود؛ خودآگاهی‌ای که توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ترسیم شده بود و جامعه آن را پذیرفت و بر اساس آن خود جدید و هویت جدیدی یافت، ساختارهای اجتماعی و سیاسی جدیدی بنا کرد و حاکمان جدید و خودی را برای آن‌ها برگزید.

از این رو انقلاب اسلامی بر اساس خودآگاهی و هویتی به وجود آمد که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه تعریف می‌کرد و بر آن اساس تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی صورت می‌گرفت؛ تقسیمی که خواهان رفتن نظامی غیرخودی با همه آثار فکری و همه حاملان آن و برقراری نظامی با شاخصه‌ها و افراد مورد تأیید امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بود.

با پذیرش خودی امام توسط مردم، جرقه‌های نخستین انقلاب، که در سال ۱۳۴۲ زده شده بود، شعله‌ور شد که اوج آن در سال ۱۳۵۷ بود و در بهمن همان سال به فروپاشی سلطنت و رژیم پهلوی

و شکست استعمار و غرب‌زدگان از خودیگانه و روشنفکران وابسته منجر شد و از آن پس نوبت نظام سازی و شکل‌گیری نظام خودی رسید.

بنابراین با توجه به مشخص کردن مفهوم «ما» و «دگر» در قانون اساسی و همچنین مفهوم مشابه آن یعنی «خودی» و «غیرخودی» در منظومه فکری حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و تا حدی توضیح هویت سیاسی انقلاب اسلامی از دل این دو مقوله، در راستای پاسخ به سؤال اصلی این مقاله، مؤلفه‌های داخلی و خارجی هویت سیاسی انقلاب اسلامی که باعث تشکیل، تحکیم، تثبیت و استحکام ساخت درونی قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران شدند، بررسی خواهد شد.

۴. مؤلفه‌های داخلی هویت سیاسی

۴-۱. استقلال

یکی از مؤلفه‌های داخلی هویت سیاسی انقلاب اسلامی که باعث استحکام ساخت درونی قدرت ملی می‌شود، استقلال است که یکی از آرزوها دیرین مردم ما در طول تاریخ به‌ویژه در دوره اخیر بوده است.

کلمه «استقلال»، به معنی خودکفایی، در مقابل وابستگی رژیم پهلوی به غرب و وابستگی برخی گروه‌های مبارز و انقلابی-همچون گروه‌های مختلف جنبش کمونیستی که به شوروی یا چین متمایل بودند- اتخاذ شد و در واقع تداوم مبارزه در این راه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... را نشان می‌داد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در سخنرانی خود در چهاردهم دی‌ماه ۱۳۵۸، وابستگی رژیم پهلوی به بیگانگان را چنین تبیین کرد:

«کوشش کردند که از همه جهات این مملکت را به آسیب برسانند... یک دانشگاه استعماری درست کرده بودند برای ما که جوان‌های ما... به نفع دیگران بیشتر صحبت می‌کردند تا به نفع خودشان... ما عقیده‌مان این شده است که غیر از غرب دیگر کسی نیست... ما باید وابسته باشیم یا به شرق و یا به غرب... خودمان می‌توانیم سرپا بایستیم... ما ترجیح می‌دهیم به این‌که از این تمدنی که ما را فاسد دارد می‌کند دست برداریم و برسیم به یک زندگی بسیط انسانی... خودمان کم‌کم خودکفا خواهیم شد... همه‌اش غرب نیست» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۰).

یکی از اهداف مهم حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، تحقق استقلال و ایجاد نظام سیاسی مستقلی بود که تصمیم‌ها در آن بر اساس مصالح ملی و اسلامی اتخاذ گردد. در فرهنگ‌های سیاسی، استقلال سیاسی به معنای جدا بودن اقتدار (اتوریته) و حاکمیت یک کشور از هر اقتدار دیگر (علی بابایی، ۱۳۸۷: ۶۱) و یا قدرت یک دولت برای اداره امور داخلی و خارجی خود بدون جلب نظر و موافقت یک دولت دیگر (علی بابایی، ۱۳۸۷: ۴۵) است. شعار استقلال، یکی از شعارهای

مردم ایران در دوران انقلاب بود که امام همواره بر آن تأکید داشت. این شعار واکنشی بود در مقابل وابستگی در عرصه‌های دیگر - همچون وابستگی اقتصادی، فرهنگی و امنیتی - شده بود.

بر این اساس، یکی از جهت‌گیری‌های مهم امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و بسیار از انقلابیون و اسلام-گرایان، تأکید بر رفع این وابستگی‌ها و حرکت به سوی ایجاد جامعه‌ای مستقل بوده است. امام به کرات در سخنان و دست‌نوشته‌های خود واژه استقلال را به کار برده است. او ارزش حیات را به استقلال می‌داند (صحیفه نور، ج ۶: ۲۱۹) و از آن به‌عنوان یکی از حقوق اولیه بشر یاد می‌کند (صحیفه نور، ج ۴: ۱۳۰).

بررسی آثار امام نشان می‌دهد که ایشان استقلال را در این معانی استفاده کرده است: عدم وابستگی (صحیفه نور، ج ۵: ۴۹۰)، سرپیچی از تبعیت بیگانگان (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۰۴)، نفی دخالت اجانب (صحیفه نور، ج ۵: ۲۳۶)، عدم پیوستگی به غیر (صحیفه نور، ج ۷: ۱۳۶)، قطع نفوذ بیگانگان (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۲)، آزادی و رها شدن از قیدوبند بیگانگان (صحیفه نور، ج ۵: ۱۸۵)، به دست گرفتن سرنوشت و مقدرات خویش (صحیفه نور، ج ۱۱: ۵۰۹)، خروج از نفوذ استعمار (صحیفه نور، ج ۲: ۴۶۰)، قطع ایادی اجانب (صحیفه نور، ج ۳: ۳۱۷)، تحت نظر دیگران نبودن (صحیفه نور، ج ۴: ۲۷۷) و اداره مستقل مملکت (صحیفه نور، ج ۵: ۱۶).

بنابراین از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، کشور زمانی مستقل است که جز به منافع ملی و مصالح مکتب خویش نیندیشد و محور تصمیم‌گیری همان منافع کلی جامعه و مصالح عمومی باشد. لازمه این نوع استقلال آن است که رهبران در تصمیم‌گیری‌ها از نفوذ بیگانه به دور باشند.

۴-۲. آزادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های داخلی هویت سیاسی انقلاب اسلامی واژه «آزادی» است که همواره در کنار قانون و معنویت، مفهوم و معنا می‌یابد. چنین آزادی‌ای مطابق عقل و فطرت الهی انسان‌هاست؛ بنابراین حکومتی که قانون آن از دستورات الهی سرچشمه گرفته باشد، تأمین‌کننده آزادی و آزادگی به مفهوم حقیقی آن است. شعار محوری «استقلال آزادی، جمهوری اسلامی» که آرمان بنیادی انقلاب اسلامی است، آزادی را در کنار استقلال و جمهوری اسلامی قرار داده است. این به معنای آن است که مردم ایران، خواهان آزادی در راستای تأمین استقلال، مطابق با قوانین متعالی و نجات‌بخش اسلام است.

آزادی یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است و بی‌شک از عوامل رخداد انقلاب‌ها را می‌توان سرکوب آزادی‌ها دانست؛ چنان‌که از ویژگی‌های مهم نظام سیاسی در تاریخ ایران معاصر به‌ویژه دوران پهلوی نیز استبداد بوده و بسیاری از مبارزات و جنبش‌ها در ایران برای تحقق آزادی

صورت می‌گرفته است. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اصلی پایه‌ای در باب آزادی اشعار می‌دارد:

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروهی یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند» (قانون اساسی، اصل ۹).

آزادی یکی از مفاهیمی است که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به‌گونه‌ای بنیادین از آن دفاع می‌کند. وی با توجه به تجربه سرکوب آزادی‌ها در رژیم گذشته، از تحقق آزادی به‌عنوان هدفی مهم یاد می‌کرد. ایشان آزادی را نه شعاری سیاسی، بلکه «حق اولیه» بشر می‌داند که می‌خواهد آزاد باشد (صحیفه نور، ج ۳: ۵۱۰). وی آزادی را امری خدادادی می‌داند و معتقد است:

«مگر آزادی اعطا شدنی است؟... آزادی مردم هست؛ خدا آزادی داده به مردم» (صحیفه نور، ج ۳: ۴۰۶).

امام خمینی (ره) آزادی را متعلق به دوران جدید و آن را ارزش غربی نمی‌دانست، بلکه مطابق با فطرت آدمی به شمار می‌آورد و معتقد بود پیامبر اسلام بنیان‌گذار آزادی بوده است. بر این اساس، ایشان بر آن بود که نه تنها این با آزادی ناسازگار نیست، بلکه دین آزادی را برای رسیدن به کمال و معنویت ناب توصیه می‌کند. امام بر این باور بود:

«اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه‌کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند» (صحیفه نور، ج ۶: ۵۲۶).

آزادی از حکام مستبد وابسته، گذشته از آنکه به لحاظ نظری پیش‌نیاز، پیش‌زمینه و مقدمه کسب استقلال از قدرت‌های خارجی سلطه‌گر به شمار می‌رود، از نظر تاریخی هم در روند پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون ابتدا به آزادی دست یافتند و سپس در راستای دستیابی به استقلال و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی تلاش کردند؛ کما آنکه به اعتقاد بسیاری این تلاش همچنان ادامه دارد.

۳-۴. جمهوری اسلامی

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در برخی از مصاحبه‌های خود اعلام کرد حکومت پیشنهادی‌اش برای آینده کشور «جمهوری اسلامی» است، که باید به آرای عمومی گذارده شود. البته وی چنین نظام نوینی را مشروط به تدوین قانون اساسی مناسبی دانست که «متکی به قانون اسلام» (صحیفه

نور، ج ۵: ۱۴۴) است و تأکید کرد «جمهوری اسلامی، متکی به آرای عمومی و قوانین اسلام خواهد بود» (صحیفه نور، ج ۴: ۲۰) که بعدها جزئیات آن تعیین خواهد شد.

حضرت امام به دفاع از جمهوری اسلامی و بیان وجوه تفاوت آن با دموکراسی غربی پرداخت. وی استفاده از لفظ جمهوری دموکراتیک را برای نوع حکومت مطلوب خود ناکافی دانست و افزود:

«این یعنی جمهوری به شکل غرب و ... ما فرم‌های غرب را نمی‌پذیریم... ما تمدن را قبول داریم، لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم... آنکه ملت ما می‌خواهد، جمهوری اسلامی است، نه جمهوری فقط، نه جمهوری دموکراتیک، نه جمهوری دموکراتیک اسلامی» (صحیفه نور، ج ۲: ۲۷۶).

در هر حال هدف الگوی سیاسی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه رسیدن به یک نظام مطلوب سیاسی بود؛ نظامی که بی‌شک از نظر امام دموکراتیک بود، اما به‌طور کامل با دموکراسی غربی انطباق نداشت، بلکه دارای تشابهات و تعارضات خاصی بودند. جمهوری اسلامی، هم دارای وجوهی منحصر به فرد است که ناشی از قید اسلامیت آن می‌باشد و هم دارای وجوهی مشترک با دموکراسی‌های موجود که ناشی از قید جمهوریت آن است؛ اما خود در این باره منظور خود را از «جمهوری»، با منظور دیگران دارای وجهی مشترک می‌دانست:

«اما جمهوری به همان معنایی است که همه‌جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم، این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود، این‌ها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه‌جا هست» (صحیفه نور، ج ۴: ۴۷۹).

بنابراین امام با به کار بردن واژه «جمهوری اسلامی»، آن را به معنای تکیه نظام سیاسی بر آرای اکثریت ملت دانست و اضافه کرد که در این جمهوری یک مجلس ملی مرکب از منتخبان واقعی مردم امور مملکت را اداره خواهد کرد (صحیفه نور، ج ۴: ۲۴۴). وی جمهوریت را شکل حقوقی رژیم و همچون قالبی مطرح نمود که محتوایش اسلام است.

«اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم، این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری شده، این‌ها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است. طرز جمهوری هم همان جمهوری است که در همه‌جا هست» (صحیفه نور، ج ۴: ۴۷۹).

الگوی جدیدی که می‌توان آن را به مردم‌سالاری دینی یاد کرد، از یک سو متأثر از مبانی فکری شیعی و اندیشه امامت و از دیگر سو برآمده از توانایی‌های فقه شیعه در پذیرش نهادها و امور عقلایی در حوزه سیاست است؛ و در واقع امام خمینی رحمت‌الله‌علیه دموکراسی را ابزاری برای کارآمدی نظام سیاسی می‌دانست تا از این طریق اهداف اسلامی حکومت محقق شود. این ایده به بهترین

وجهی توسط شهید مطهری، تبیین شده است. آنجا که به منظور تعیین نسبت بین این دو رکن، به تصریح و برگرفته از اندیشه‌های امام رحمت‌الله‌علیه می‌گوید:

«جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است: کلمه جمهوری و کلمه اسلامی. کلمه جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی، محتوای آن را... یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی، اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند» (مطهری، ۱۳۷۰: ۸۰).

۵. مؤلفه‌های خارجی هویت سیاسی

علاوه بر مؤلفه‌های داخلی، مؤلفه‌های خارجی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت سیاسی انقلاب اسلامی ایفا می‌کنند. عوامل خارجی تأثیرگذار بر هویت سیاسی انقلاب اسلامی که باعث استحکام ساخت درونی قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران می‌شوند را می‌توان در متغیرهای زیر طبقه‌بندی کرد.

۵-۱. نه شرقی، نه غربی

این مؤلفه، از آغاز انقلاب به صورت شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و حتی به‌عنوان یک سیاست حاکم بر نظام اسلامی درآمد و نشانگر عزم انقلاب اسلامی و اصرار آن برای پیمودن راهی جدا بود. حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در تبیین این سیاست و تعیین مصداق‌های شرق و غرب اظهار داشت:

«ما نه با امریکا کار داریم و نه با شوروی. ما خودمان هستیم. این که با همه دولت‌ها رابطه داشته باشیم، یعنی رابطه دوستانه، نه روابط بین ارباب و رعیت و ما این روابط را نمی‌خواهیم... ما می‌خواهیم این‌طور باشیم که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم» (منصوری، ۱۳۶۵: ۴۴).

اهمیت این جنبه از هویت سیاسی انقلاب اسلامی در نظر امام خمینی رحمت‌الله‌علیه به‌اندازه‌ای بود که ایشان در بیست‌وهشت شهریور ۱۳۶۷ در پاسخ به نامه یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نوشت:

«ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۴۳).

از نظر فقهی، این شعار از دو بخش نفی شرق و غرب و اثبات جمهوری اسلامی تشکیل شده است و به عبارت ایدئولوژیک، به معنی «نفی سلطه و حاکمیت سیاسی و مکتبی شرق و غرب و برقراری حاکمیت و ولایت نظام اسلامی بر جامعه است» (محمدی، ۱۳۶۶: ۴۷). از نظر قرآن،

مسلمانان موظفاند تولا و تبرا پیشه کنند و ضمن آنکه به یک نوع ولایت و دوستی همت می‌گمارند، نوع دیگر را از خود طرد کنند. مسلمانان از دوستی با غیرمسلمانان و نیز از رفتن به زیر بار سرپرستی آنان نهی شده‌اند و برخی آیات در سوره‌هایی از جمله: ممتحنه/۳، انعام/۱۴، شوری/۱۰، کهف/۲۶، عنکبوت/۴۱ و مائده/۵۶ علت لزوم اجتناب و احتیاط از بیگانه، مبتنی بر این واقعیت اعلام شده که آن‌ها دوست دارند دیگران را نیز به کیش خود درآورند و بنابراین روابط مسلمان با غیرمسلمان باید احتیاط‌آمیز باشد. اصل نفی سیل کافران بر مسلمانان نیز مؤید این جنبه از شعار نه شرقی نه غربی است:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)

«خداوند هرگز (نه در گذشته و نه در آینده) راه سلطه کافران بر اهل ایمان را باز نگذاشته و نخواهد گذارد».

در واقع این شعار نوعی نفی «غیریت» است که روی دیگر سکه اثبات خودیت و همیت است. این «غیریت» در قرائت تاریخی خود بلوک شرق، کمونیسم و بلوک غرب، لیبرالیسم و سرمایه‌داری بود. از این‌رو از آغاز انقلاب تا تشکیل نظام، امام بر نفی غیریت به‌عنوان شرط حفظ هویت تأکید می‌ورزد:

«ایران از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بوده، مسیر، مسیر راه مستقیم نه شرقی، نه غربی و جمهوری اسلامی بود. تاکنون هم ملت ما، به همان مسیر باقی است» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۱۸).

در جای دیگر حفظ هویت و در صراط مستقیم بودن را به این می‌داند که به‌طرف «مغضوبین» که آن را به «شرق ملحد» تأویل می‌کند و به‌طرف «ضالین» که آن را «غرب» تفسیر می‌کند، نرویم. در واقع اقتضای راه رفتن در صراط مستقیم، مخالفت ورزی با راه ضالین و مغضوبین و برائت، دوری و نرفتن به بیراهه آنان ایست (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

«ما نه طرف مغضوب علیهم می‌رویم، نه طرف ضالین و نه طرف غرب می‌رویم، وقتی ما می‌توانیم این‌طور باشیم و به صراط مستقیم عمل کنیم که هم‌زمان با هم باشیم» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۹۴).

منوچهر محمدی با تأیید این برداشت از مبارزه‌طلبی انقلاب اسلامی، می‌نویسد:

«اصل نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی... برخلاف تر عدم تعهد، حالت تدافعی و انفعالی نداشته بلکه با اتخاذ سیاستی تهاجمی، فعال و پویا علیه استکبار شرق و غرب مبارزه می‌کند و همچنین اعتقاد به حکومت واحد جهانی تحت لوای اسلامی دارد» (محمدی، ۱۳۶۶: ۵۹).

بی‌تردید همین برداشت از نه شرقی نه غربی بود که برخی را واداشت تا اعلام کنند:

«با استقلال در سیاست، یقیناً زمینه‌ساز جریان سومی در جهان خواهیم بود و این دوقطبی بودن جهان به‌طور کلی شکسته می‌شود و ما به‌عنوان قطب سوم مطرح خواهیم شد» (منصوری، ۱۳۶۵: ۳۸).

۵-۲. الگوسازی برای سایر ملل مسلمان یا صدور انقلاب

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به‌هنگام تشریح موضوع ولایت فقیه، معتقد بود این مدل حکومتی منحصر به یک کشور اسلامی نیست و فقها، به کمک مردم یکایک جوامع اسلامی، موظف‌اند در راه تشکیل این مدل حکومتی اقدام کنند. موضوع ولایت فقیه گرچه در درس‌های حضرت امام رحمته‌الله‌علیه در نجف اشرف خطاب به طلاب ایرانی مطرح شده، اما خطاب ایشان در این باره، علمای سایر کشورها را نیز شامل می‌شد؛ چنانکه کتاب ولایت فقیه بارها و به زبان‌های مختلف تکثیر و تجدید چاپ شده است. توجه به عبارت زیر نیز کاملاً روشن می‌کند که ایشان حکومت‌های ظالم را متعدد اما حکومت اسلامی را واحد می‌دانست.

«وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند و در این راه که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۸).

تحت تأثیر همین نظرات بود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان اولین گام در راستای تحقق چنین هدف والایی مطرح گردید و با اتخاذ شعار «نهضت همچنان ادامه دارد»، در قانون اساسی جمهوری اسلامی از آن به‌عنوان «حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین» یاد شد که می‌خواهد «زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور» فراهم کند تا «با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی... راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد». بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی «دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر» (اصل ۱۵۲) و حمایت از «مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» (اصل ۱۵۴) را وظیفه خود، «سعادت انسان در کل جامعه بشری» را آرمان خود و «استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل» را حق همه مردم جهان شناخت (اصل ۱۵۴).

بر پایه عناصر ماهوی انقلاب اسلامی می‌توان مبانی نظری صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را استنباط و استخراج کرد؛ زیرا هر یک از این عناصر هویت‌بخش انقلاب اسلامی متضمن و مستلزم پیگیری صدور انقلاب به‌عنوان یک اصل و هدف در سیاست خارجی ایران می‌باشد. از این رو جهان‌شمولی ایدئولوژی اسلامی، ماهیت فراملی انقلاب اسلامی، اندیشه‌های امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و عدالت‌خواهی

ایرانیان به مثابه یک عنصر هویت‌بخش آنان، مبانی نظری صدور انقلاب را فراهم می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۵).

البته پیش‌شرط صدور انقلاب، استحکام ساخت درونی قدرت می‌باشد که از طریق پابندی به مؤلفه‌های پیش‌گفته یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و همچنین نه شرقی و نه غربی و تثبیت این مؤلفه‌ها تحقق پیدا می‌کند.

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بارها ضمن اشاره به اینکه یکی از اهداف اصلی پیامبران و پیامبر اسلام دعوت جهانیان به اسلام و ارزش‌های اسلامی بوده، یکی از اهداف دولت اسلامی را نیز دعوت جهانیان به این ارزش‌ها می‌دانست که از آن به صدور انقلاب یاد می‌کرد:

«ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی را به جهان صادر کنیم (صحیفه نور، ج ۲۱: ۸۵). باید با تبلیغات صحیح اسلام را آن‌گونه که هست به دنیا معرفی نمایم» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۳۲۱).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مخاطبان عمده خود را مسلمانان می‌دانست که باید با تکیه بر وحدت و همدلی و تأکید بر کتاب و سنت به اهداف معنوی خود دست یابند. او در درجه دوم، عقلای عالم را مورد خطاب قرار می‌داد تا با تکیه بر استدلال، خردگرایی و عقل‌باوری در مورد اصول مورد پذیرش، به اشتراک فکری نائل آیند. وی در مرتبه سوم، مستضعفان جهان را به لحاظ موضع مشترک سیاسی در مقابل مداخله‌گرایی‌ها و چپاولگری‌های قدرت‌های بزرگ، مخاطب قرار داد. با این‌همه همواره بر مسالمت‌آمیز بودن جنبه دعوت نیز تأکید داشت:

«مایی که می‌خواهیم اسلام در همه‌جا باشد و می‌خواهیم اسلام صادر بشود ... نمی‌گوییم که می‌خواهیم یا سرنیزه صادر بکنیم. ما می‌خواهیم با دعوت، با دعوت به همه‌جا، اسلام را صادر کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۵۷).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بر بهره‌گیری از همه شیوه‌های مشروع دعوت تأکید داشت؛ اعم از دعوت در سطح حکومتی با بهره‌گیری از دیپلماسی پارلمانی، دعوت در سطح بین‌المللی با بهره‌گیری از مجامع عظیم و کنگره‌های بزرگ، دعوت علنی و مخفی، دعوت فردی و جمعی، دعوت نزدیکان و دوردستان، دعوت شفاهی و مکاتبه‌ای و دعوت از طریق ارگان‌های رسمی و نهادهای غیررسمی. مثلاً در همین باره می‌گویند:

«لازم است پایگاه‌های اسلامی برای معرفی اسلام و نشر حقایق نجات‌بخش در هر نقطه‌ای از جهان که امکان است، برقرار باشد و در تحت یک سازمان هماهنگ برای نشر عدالت و قطع ایادی ستمکاران و چپاولچیان مشغول فعالیت شوند» (صحیفه نور، ج ۳: ۳۲۴).

بی‌شک نمونه‌ای برجسته از دعوت به اسلام در زمان حیات امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، پیام ایشان به آقای میخائیل گورباچف آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق است. از نظر سیاست خارجی، استفاده از فرصت تاریخی در جهت ابلاغ برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از

مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی بر اصل نه شرقی و نه غربی و مبارزه با استکبار در اشکال مختلف آن و مهم‌تر از همه، دعوت به اسلام، از جمله ویژگی‌ها و نکات برجسته پیام امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است. لازم به ذکر است که هدف نهایی بحث صدور انقلاب، زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی اسلام است.

۵-۳. استکبارستیزی

شاخص‌ترین ویژگی رفتاری سیاست خارجی ایران استکبارستیزی به معنای رویارویی با دو ابرقدرت به‌ویژه آمریکا می‌باشد. از این رو، پایان بحران گروگان‌گیری نه تنها از مواجهه ایران و آمریکا نکاست بلکه بر شدت تقابل آن‌ها نیز افزود. زیرا، ایران یکی از مهم‌ترین علل حمله عراق را تشویق‌ها و حمایت‌های آمریکا دانست. به نظر رهبران انقلاب اسلامی صدام حسین به نیابت از آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی دست به تجاوز زده بود.

از طرف دیگر، روابط خصمانه آمریکا با ایران باعث نزدیکی جمهوری اسلامی به شوروی نشد. به‌گونه‌ای که ایران، برخلاف رویه رایج، به‌شدت با اشغال افغانستان توسط شوروی مخالفت ورزید و به حمایت از مجاهدین افغان پرداخت. با دستگیری سران حزب توده به جرم جاسوسی در سال ۱۳۶۲ و اخراج ۱۸ دیپلمات شوروی از ایران، روابط و مناسبات دو کشور به‌شدت ملتهب و متشنج شد. روابط جمهوری اسلامی با کشورهای بزرگ اروپایی نیز به علت حمایت آنان در عراق دستخوش تنش‌های پایداری شد (خواجه سروی، ۱۳۹۰: ۵۱۰).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بر اساس قاعده نفی سبیل که به آن اشاره شد، با هر نوع سلطه‌طلبی و مداخله بیگانگان در امور مسلمانان به‌شدت مخالفت می‌کند. در واقع مخالفت امام با استعمار و قطع سلطه اجانب و نیز مخالفت با اتکا به قدرت‌های سلطه‌گر در این راستاست. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این باب می‌گویند:

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود؛ یک تسلطی، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا بکند، اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرت‌های فاسد... بر مسلمین» (صحیفه نور، ج ۴: ۳۱۷).

اصل نفی ظلم و ظلم‌پذیری متأثر از آیات مختلف قرآن مبنی بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری است: از جمله آیه «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۲۷۹) (نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم روید) و یا این آیه که «عهد و پیمان من به ظالمان نمی‌رسد» (سوره بقره، آیه ۱۲۴). امام خمینی رحمته‌الله‌علیه می‌گویند:

«ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر ظلم می‌رفت و ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۴).

۵-۴. دشمن شناسی

یکی از مفاهیم مهمی که با پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت و جایگاه خاصی در نگرش نخبگان سیاسی حاکم برخوردار شده و از دال‌های محوری گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، مفهوم «دشمن» است. این مفهوم ارتباط بسیار تنگاتنگی با «دگر» دارد و اصولاً مفهوم «هویت سیاسی» از وجود آن ظهور می‌یابد. در این زمینه کارل اشمیت^۱ در اثر برجسته خود با عنوان مفهوم امر سیاسی^۲ تصریح می‌کند:

«تبین‌کننده تمایز دوست و دشمن، نیاز شدید به هویت سیاسی است و نه ساختار یا تمایز به قدرت. جوهر و هسته اصلی سیاست، تعارض و تمایز میان دوست و دشمن و نحوه مدیریت آن است» (اشمیت، ۱۳۹۲: ۵۷).

آنچه از این حیث در نگاه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه حائز اهمیت است این است که «خود»، «دیگری» را به‌عنوان موجودیتی متفاوت فرض کند تا بتواند بر اساس این تفاوت هویت سیاسی خود را قوام بخشد. این رویکرد کاملاً عقلانی و واقع‌گرایانه است و مانع از فریب و اغوای «خودی» توسط دیگران می‌شود، زیرا «دیگری» ممکن است با ترفندهایی، خود را دوست شما نشان دهد درحالی‌که درواقع امر این‌گونه نباشد. از همین روست که در آیات قرآن خوش‌بینی نسبت به دشمن نفی شده است. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه این نکته را به‌صراحت برای ملت تبیین و هرگونه غفلت، سستی و انحراف از بازشناسی همیشگی دشمن را به‌شدت نفی می‌کند:

«نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به‌گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دیتتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۰).

در نگاه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، این خودی است که باید دشمن خود را بشناسد و این شناسایی هر اندازه دقیق‌تر و مرزهای آن روشن‌تر باشد، هویت سیاسی خودی نیز روشن‌تر و تقویت خواهد شد. از همین روست که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه همواره بر لزوم هوشیاری و شناخت و آمادگی همیشگی در برابر دشمن تأکید می‌کردند و ضامن حفظ هویت ایرانی-اسلامی را تداوم ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن می‌دانستند:

¹ Carl Schmitt

² The Concept of the politics

«اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند ما نوکر، آن‌ها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آن‌ها ولی و قیم باشند ما چیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی-اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه-اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۱).

در نگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، هویت سیاسی در طول هویت دینی و از جنس دین است و بنابراین هویت سیاسی به معنای سیاسی کردن هویت نیست. از آنجاکه امام، دین را دارای ابعاد مختلفی می‌دانست همواره بر پیروزی از اسلام در روش و حرکت در کلیت سیاست تأکید و نفی دین از سیاست را تصریح می‌کرد و دین اسلام را در همه شئون سیاست و حکومت مبنا قرار می‌داد:

«مسئله‌ای را که لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۶۴).

مبتنی بر چنین اندیشه‌ای است که مرزهای ملت و جغرافیا در نور دیده می‌شود و اگرچه بر ضرورت مرز و محدوده‌های سرزمینی و رشد و پیشرفت مردم و کشور تصریح و تأکید می‌شود اما به حکم آیات الهی، اصالت به امت داده می‌شود. از همین روست که امام حتی جنگ میان عراق و ایران را با محدوده جغرافیایی آن تعریف و تبیین نمی‌کند:

«جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛... جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوش‌گذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۶۸).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ» (ممتحنه، آیه ۱).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمنان من و دشمنان خودتان را به‌عنوان دوست انتخاب نکنید».

با این وصف، یکی از مهم‌ترین وظایف و رسالت‌های جامعه، اعم از عوام و خواص، شناخت دشمن و معرفت و بصیرت کافی به ماهیت، عملکرد، اهداف، روزه‌های نفوذ، برنامه‌ها و شیوه‌های تهاجمی اوست. در متون دینی و روایی ما، شناخت دشمن و پی بردن به اهداف، اهمیت ویژه‌ای دارد. با شناسایی دشمن می‌توان آمادگی لازم را برای رویارویی با او کسب نمود و به مقتضای حرکت ضد انسانی او، واکنش نشان داد.

۵-۵. حمایت از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های رهایی‌بخش

در اوایل انقلاب، برقراری رابطه با ملت‌ها از طریق حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش بر مناسبات بین دولتی اولویت یافت. چون تعداد اندکی از کشورها و دولت‌ها از شرایط لازم برای برقراری رابطه برخوردار بودند، مؤثرترین راه کار و سازوکار برای برقراری با ملت‌ها، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش تشخیص داده شد. از این رو، حجم گسترده از امکانات و فعالیت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مصروف حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان گردید. به گونه‌ای که در وزارت امور خارجه بخش نهضت‌های رهایی‌بخش تشکیل شد تا به مدیریت روابط با آن‌ها به نمایندگی از ملت‌ها پردازد (خواجeh سروی، ۱۳۹۰: ۵۱۰).

یکی از نتایج شور و شعور انقلابی توجه عمیق و آرمانی به مستضعفان جهان بود و این توجه در سال‌های اول انقلاب به اندازه‌ای بود که واژه «مستضعف» به صورت یک اصطلاح بین‌المللی وارد ادبیات سیاسی جهان شد و در نتیجه یک شاخص مهم از شاخصه‌های انقلاب اسلامی ایران توجه به سرنوشت مستضعفان جهان شمرده می‌شد. رویکرد حمایت از مستضعفان جهان به شدت شعارهای قطب شرقی نظام جهانی الحاد در عصر نظام دوقطبی را به چالش کشید و نهایتاً زمینه‌های فروپاشی نظام دوقطبی را فراهم کرد. دفاع از مظلوم و مستضعف نیز در آموزه‌های قرآنی ریشه دارد. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این باب می‌گوید:

«ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۴).

«اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست، بی تفاوت باشد. می‌تواند، باید قیام کند؛ نمی‌تواند، باید زمینه فراهم کند که یک وقتی رفع ظلم کند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۵۲).

حضرت امام نظام اسلامی را موظف می‌دانست که برای نجات ملل تحت ستم و مستضعف تلاش کند تا از این رهگذر بسیج انقلابی طرفداران عدم تعهد به دو بلوک شرق و غرب در سراسر گیتی تحقق یابد و هسته‌های مقاومت در تمامی جهان به وجود آید:

«ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم؛... زیرا اسلام... پشتیبان تمام مستضعفین جهان است (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۰۲). بسیج، تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۹۵).

شایان ذکر است حمایت از مستضعفان را می‌توان در راستای اصل تألیف قلوب نیز مورد بحث قرار داد؛ زیرا با این حمایت‌ها، قلوب مستضعفان عالم به اسلام متمایل می‌گردد.

از سویی اعتقاد به اصل تولی و تبری نیز این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ زیرا بر اساس آن مسلمانان باید دوستان خدا را دوست بدارند و دشمنان خدا را دشمن. بر همین بنیاد، حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بر تقویت روابط برادرانه با مسلمانان و جهان اسلام تأکید داشت و دفاع از ملت مظلوم فلسطین و مسلمانان جهان نیز اقدامی در این راستا بود. به گفته ایشان:

«خدای تبارک و تعالی برای مؤمنین که در خدمت اسلام هستند، دو خاصیت نقل می‌فرماید: یکی اینکه بین خودشان محیط محبت است: «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» با هم دوست هستند؛ رحیم هستند؛ همه به دیگری محبت دارند. [دیگر آنکه] در مقابل غیر «اشدءاء» در مقابل کفار و در مقابل اجانب شدید هستند، محکم (صحیفه نور، ج ۱۹: ۹۴). به حکم قرآن مجید با ملت‌ها و دولت‌های اسلامی [باید] به رحمت و اخوت و با کفار و غارتگران بین‌المللی به شدت و قدرت عمل کنند» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۹۲).

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه علاوه بر مسئولان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، به حجاج ایرانی و شیعیان در سایر کشورها توصیه می‌کرد در جریان حج، برخی معتقدات شیعه را به نفع وحدت اسلام و مسلمین کنار بگذارند و به آن عمل نکنند.

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد تشکیل نماز جماعات در منازل اجتناب نمایند» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۶۲).

نکته مهمی که از فتاوا و نظرهای یادشده به دست می‌آید، اینکه افزون بر راه‌های رسمی دیپلماتیک، مردم عادی نیز می‌توانند در محیط خارجی سهمی را در اجرای اصل وحدت بر عهده گیرند. یکی دیگر از اقدامات و ابتکارات جمهوری اسلامی در زمان حیات امام در راستای تقویت وحدت اسلامی، اعلام هفته وحدت است که همه‌ساله مقارن با میلاد پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزار می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب ارائه شده در این پژوهش این نتیجه برمی‌آید که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز همچون هر پدیده دیگر، آثار و پیامدهایی داشت که به نظر می‌رسد این آثار و پیامدها را باید برخاسته از ذات انقلاب اسلامی دانست که همراه با آن شکل گرفتند و از خواسته‌های اولیه انقلابیون به شمار می‌روند. این خواسته هویت سیاسی‌ای را شکل دادند که این انقلاب را متفاوت و متمایز از دیگر انقلاب‌ها گرداند و هویتی متفاوت برای خود قائل است. در زمینه هویت سیاسی، انقلاب اسلامی به پیروزی جنبش آزادیخواهی و ضد استعماری ملت ایران انجامید؛ دو شعار

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» را در شالوده و زیربنای فکری نظام حکومتی خود قرار داد.

در واقع، حفظ و تثبیت مؤلفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی باعث می‌شود که ساخت درونی قدرت ملی کشور از استحکام بیشتری برخوردار شود و هر چه میزان پابندی به اهداف و آرمان‌های انقلاب که هویت سیاسی آن را تشکیل می‌دهند بیشتر باشد، تمایل به ساخت درونی قدرت بیشتر خواهد شد و مدل جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگویی برای سایر ملت‌ها تبدیل خواهد شد.

انقلاب اسلامی نیز حاصل تغییر هویت مردم ایران بود. جامعه ایران که در رویارویی با غرب، از خود فراموشی به در آمده بود و به‌دنبال هویت خویش و خودآگاهی می‌گشت، در انقلاب اسلامی از میان پاسخ‌های موجود پاسخ امام خمینی رحمت‌الله‌علیه را برای تعیین هویت خویش برگزید.

بر اساس این هویت جدید و این نوع خودآگاهی، هر کس که معتقد به اسلام ناب و پاس‌خگویی به نیازهای زمانه و معتقد به ولایت‌فقیه و نظام جمهوری اسلامی در حمایت از محرومین و مستضعفان بود، «خودی» قلمداد می‌شد. در مقابل متحجران و متحدان غرب‌گرا و لیبرال‌ها و منافقان و مرفه‌های بی‌درد از مصادیق «غیرخودی» بودند.

نتیجه دیگر این پژوهش این است که ما هویت سیاسی خود را از طریق تمایز مرزهای هویتی خود با دیگران ترسیم می‌کنیم و فضایی دوگانه و تقابلی نظیر استکبار/استضعاف، وابستگی/استقلال، دشمن/دوست، غیرخودی/خودی و... ایجاد می‌نماییم که اغلب با ارزش‌گذاری و سلسله‌مراتب همراه است. چون اگر این تفاوت‌ها وجود نداشت، ما نمی‌توانستیم به‌طور متمایز و همسته موجودیت یابیم. به‌عنوان مثال، هنگامی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه توانست ارزش‌های دینی را در متن انقلاب اسلامی تبیین نماید که آن را در تمایز با ارزش‌های ناسیونالیستی، سکولاریستی، لیبرالیستی و... قرار داد و به ترسیم «هویت اصیل خودی» پرداخت.

بنابراین، چشم‌انداز روشن از استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، مستلزم اتخاذ راهبردها و راه کارهای عملی در جهت شفاف‌سازی هویت سیاسی انقلاب اسلامی به‌عنوان مفهومی شمول‌محور با جهت‌گیری و محوریت اسلامی یعنی «خودی» و از طرفی تقویت «دگر» مشترک به‌عنوان دشمن اسلام، به‌گونه‌ای که از امکانات و ظرفیت‌های مردم ایران اعم از مذاهب، اقوام و... به‌ویژه در سطح انگاره‌ها و اعتقادات در تقابل با نظام سلطه بهره‌برداری شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۲). مفهوم امر سیاسی. ترجمه سهیل صفاری. تهران: نشر نگاه معاصر.
- اکبری، حسین و عزیزی، جلیل (تابستان ۱۳۸۶). «هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه». مجله رفاه اجتماعی. سال هفتم، شماره ۲۷.
- برزگر، ابراهیم (پاییز ۱۳۷۹). «صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، شماره ۵.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- حسینی باقری شریف‌آباد، مهدی (بهار ۱۳۹۰). «مؤلفه‌های تشکیل و تحکیم هویت سیاسی و اجتماعی ایران در بخش اساطیری شاهنامه». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹). الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ربانی، جعفر (۱۳۸۱). هویت ملی. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- رضایی، سید محمد و جوکار، محمدصادق (زمستان ۱۳۸۸). «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات ملی. سال دهم، شماره ۴۰.
- الطایی، علی (۱۳۷۸). بحران هویت قومی در ایران. تهران: نشر شادگان.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش. ج ۳، تهران: آشیان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی پور. تهران: طرح نو.
- محمدرضا دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی(ره). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۶۶). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: امیرکبیر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها. ج ۲، قم: نشر معارف.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). پیرامون انقلاب اسلامی. ج ۷، قم: صدرا.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- منصوری، جواد (۱۳۶۵). نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: امیرکبیر.
- موسوی خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۳). صحیفه نور. مجلدات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰.

Research Article

The components of the political identity of the Islamic Revolution in the intellectual system of Imam Khomeini (RA)

Alijan Moradi Joo¹

Date of received: 2022/07/06

Date of Accept: 2022/10/07

Abstract

Political identity is one of the most important issues in the phenomenon of "state-nation building". Since the victory of the Islamic Revolution in Iran plays a fundamental role in the reconstruction of Iranian-Islamic identity; Therefore, the type of look and its effect in the political dimension of identity is of special importance. In fact, adhering to the goals and ideals of the Islamic Revolution of Iran, which was formed on the basis of Iranian-Islamic identity, strengthens and consolidates the internal structure of the national power of the Islamic Republic of Iran, and as a result, the impact of the revolution on the international level expands in line with its political identity. Considering this issue, the author of the article has tried to search for the internal and external components and the elements of the formation and consolidation of the political identity of the Islamic Revolution of Iran in the intellectual system of Imam Khomeini (RA). Elements such as "independence", "freedom", "neither east nor west", "anti-arrogance", "Islamic Republic", "hostility", "setting a model for other Muslim nations or issuing a revolution" and "supporting Islamic movements and liberation movements" " have been introduced as the most important indicators of the formation and consolidation of the political identity of the Islamic Revolution of Iran and have been analyzed in different parts of the article. In the end, the result was obtained that the existence of the above components caused that, while paying attention to the concept of "inside and other" and relying on self-belief, in the eyes of world thinkers, the Islamic revolution in Iran was different and distinct from other movements and revolutions and caused a fundamental turn in history, especially the way of looking at superpowers.

Keywords: political identity, Islamic revolution, independence, freedom, Imam Khomeini (RA)

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Moradi Joo, Alijan (Summer 2023). "The components of the political identity of the Islamic Revolution in the intellectual system of Imam Khomeini (RA)". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 6, Num. 2, S.No. 22, pp. 123 - 146.

¹. Assistant Professor of Political Science Imam Hossein (AS) Official University, Tehran, Iran.
Email: moradialijan@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Holy Quran, divine translation by Qomshaei.*
- Akbari, Hossein and Azizi, Jalil (summer 2016). "National identity and factors affecting it among secondary school students". *Social welfare magazine. Seventh year, number 27. (in Persian)*
- Ali Babaei, Gholamreza (1387). *Arash's political culture. Ch 3, Tehran: Ashian. (in Persian)*
- Altai, Ali (1378). *Ethnic identity crisis in Iran. Tehran: Shadegan Publishing. (in Persian)*
- Barzegar, Ibrahim (autumn 2019). "Sarat, the rule of identity in the thought of Imam Khomeini (RA)". *National Studies Quarterly. Second year, number 5. (in Persian)*
- Dehghani Firouzabadi, Jalal (1389). *Patterns of exporting the revolution in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Imam Sadegh University (AS) . (in Persian)*
- Giddens, Anthony (2004). *Global perspectives, translated by Mohammad Reza Jalaipour. Tehran: New design.*
- Hosni Bagheri, Sharifabad, Mahdi (Spring 2010). "The components of the formation and consolidation of Iran's political and social identity in the mythological part of Shahnameh". *National Studies Quarterly. 12th year, number 45. (in Persian)*
- Jenkins, Richard (1381). *social Identity. Translated by Toraj Yarahmadi. Tehran: Shiraz.*
- Khaje Sarvi, Gholamreza (2018). *Politics and government in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Imam Sadegh University (AS) . (in Persian)*
- Malkutian, Mustafa (1387). *Rereading the causes of the Islamic revolution in the field of theories. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (in Persian)*
- Mansouri, Javad (1365). *A comment on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)*
- Mohammad Reza Desheiri, Mohammad Reza (1379). *An introduction to the political theory of Imam Khomeini (RA). Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)*
- Mohammadi, Manouchehr (1366). *Principles of foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)*
- Mohammadi, Manouchehr (1380). *Islamic Revolution: Backgrounds and Consequences. Ch 2, Qom: Maarif publishing house. (in Persian)*
- Motahri, Morteza (1371). *About the Islamic Revolution. Ch 7, Qom: Sadra. (in Persian)*
- Mousavi Khomeini (Imam), Ruhollah (1373). *The Book of Light Volumes 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 11, 12, 16, 21, Tehran: Islamic Revolution Cultural Documentation Center. (in Persian)*
- Nazari, Ali Ashraf and Sazmand, Bahareh (2007). *The discourse of identity and the Islamic revolution of Iran. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian)*

- Rabbani, Jafar (1381). *National identity*. Tehran: Association of Parents and Teachers. (in Persian)
- Rezaei, Seyyed Mohammad and Jokar, Mohammad Sadiq (Winter 2018). "Recognition of National Identity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran". *National Studies Quarterly*. 10th year, number 40. (in Persian)
- Schmidt, Carl (2012). *The concept of politics*. Translated by Sohail Safari. Tehran: Naghah Maazareh publishing house.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی